معما

جسدی در آتش

فریادهای مرد در مقابل خانه ای که آتش گرفته بود، همه همسایگان را به وحشت انداخته بود و چند تن از آنان همزمان با آتش نشانی تماس گرفته بودند.

آتش نشانان در حال خاموش کردن آتش بودند که نعمت به ماشین پلیس نزدیک شد و با گریه گفت که پسر ۱۹ ساله اش داخل خانه گرفتار شده و خواست او را نجات دهند. خانه دو بخش داشت و سمت آشپزخانه آتش گرفته بود اما دودناشی از این آتش همه خانه را در بر گرفته و تنفس را سخت کرده بود، آتش نشانان وقتی توانستند حریق را اطفا کنند با ماسک های اکسیژن به داخل خانه رفتند و به جست وجوی پسر جوان پرداختند. وقتی وارد اتاق خوابی شدند که با محل آتش سوزی ۲۵ متر فاصله داشت، پیکر بی جان بهنام را دیدند که سرش روی بالش بود و به نظر می رسید خوابیده است.

بهنام نفس نمی کشید و صورتش کبود شده بود، دود همه جای خانه را فرا گرفته بود و آتش نشانان پس از ساعتی فتیله های سیگار را که درون کیسه زباله پر از کاغذ افتاده بود، پیدا کردند. بازرسان اعلام کردند که آتش سوزی به خاطر روشن بودن فتیله سیگارها بوده است و چون آتش به محل جسد سرایت نکرده است، علت مرگ می تواند خفگی ناشی از دود گرفتگی باشد. به خاطر مرگ بهنام، حضور بازپرس پژوهش در صحنه حادثه ضروری بود. نعمت وقتی او را دید به سوی بازپرس رفت و گفت: خواهشمندم دستور بدهید دوستان پسرم را که همگی سیگاری هستند دستگیر کنند، مطمئن هستم سهل انگاری آنان باعث این حادثه شده است، بهنام لب به سیگار نمی زد و به همین دلیل دوستانش مقصر هستند.

وی ادامه داد: من و بهنام، وقتی همه اعضای خانواده به شهرستان رفته بودند در خانه تنها ماندیم، من به دلیل کاری که دارم یک روز در میان در خانه هستم، ساعت ۲۲ بود که تلفنی با خانه تماس گرفتم اما کسی جواب نداد، نگران شدم و خودم را به این جا رساندم و دیدم زندگی ام آتش گرفته است.

نعمت، وقتی بازپرس پژوهش خواست دوستان بهنام را به او معرفی کند، گفت: متاسفانه از یک سال پیش پسرم پنهان کاری می کرد به همین دلیل هیچ کدام از دوستانش را نمی شناسم حتی مادر و تنها خواهرش نیز آنان را نمی شناسند. فقط از همسایه ها شنیده بودم وقتی هیچ کس در خانه نیست، خانه را پاتوق دوستانش می کند. راستش را بخواهید به دلیل این که پسرم از خانه فراری نشود کاری به این کارهایش نداشتم و سعی می کردم مزاحم او و مهمان هایش نشوم.

بازپرس پژوهش به او تسلیت گفت و قول داد مقصران آتش سوزی را شناسایی کند. سپس از ستوان محمدی خواست پس از تحقیقات محلی پرونده را به دادسرا ببرد و در اختیارش قرار دهد.

از فردای شب حادثه، پوشه زرد رنگ در کشوی کمد بازپرس پژوهش بود. او منتظر نتیجه پزشکی قانونی بود تا دستور مختومه کردن ماجرای آتش سوزی را صادر کند. چند تن از دوستان بهنام تحت بازجویی قرار گرفتند و همگی ضمن تایید این که قربانی اهل سیگار کشیدن نبود دلیل آوردند که شب حادثه با دوست شان نبودند و دخالتی در آتش سوزی نداشتند. سه ماه بعد نظریه آسیب شناسی از جسد بهنام در اختیار بازپرس پژوهش قرار گرفت و مشخص شد که پدر این پسر تنها درخواست آزمایش آسیب شناسی کرده و در شش های مقتول آثاری از منواکسید کربن دیده نشده است و علت مرگ بهنام نامعلوم است. با این نظریه عجیب بازپرس پژوهش سر دو راهی گرفتار شده بود و به ناچار قبل از صدور دستور مختومه شدن پرونده به مرور اوراق پوشه زرد رنگ پرداخت. وقتی کارش تمام شد خودنویس خود را برداشت و حکم بازداشت پدر بهنام به اتهام قتل پسرش را صادر کرد؛ بهنام سرکش شده بود، یک بار در خیابانی دیدم که همراه یکی از دوستانش کیف زنی را قاپیدند و حتی آن زن را به زمین کوبیدند. خیلی ناراحت شدم اما به رویش نیاوردم. سپس وقتی زن و دخترم به مسافرت رفتند من در غذای پسرم مرگ موش ریختم، وقتی مرد به خاطر این که راز قتل پنهان بماند خانه را آتش زدم و ...

■ **پاسخ معما:**

همان طور که اشاره شد پدر بهنام، ابتدا ادعا کرده بود بیشتر دوستان پسرش سیگاری هستند در حالی که در جای دیگر ادعا کرد به خاطر پنهان کاری های پسرش هیچ کدام از دوستان او را نمی شناسد و نمی تواند در ردپای دوستی که روز آتش سوزی آن جا بوده، به پلیس کمک کند. از سوی دیگر در نظریه پزشکی قانونی که فقط با درخواست پدر مقتول آسیب شناسی کرده بودند و هیچ آزمایش سم شناسی دیگری صورت نگرفته بود، علت مرگ نامشخص اعلام شده بود و خفگی ناشی از دود آتش سوزی منتفی دانسته شده بود زیرا در شش های مقتول هیچ آثاری از منواکسید کربن دیده نشده بود. بازپرس پژوهش با وجود الهام گرفتن از نظریه پزشکی قانونی و کذب گویی های پدر بهنام پی برد این پسر به دست پدرش از پای در آمده است.

دسیسه شوم وکیل قلابی برای زنی در آستانه طلاق

مرد جوان در نقش یک وکیل جلوی دادگاه خانواده دسیسه شومی را برای یک زن طراحی کرد. این مرد شیاد زن جوانی را شکار کرد و پس از بی هوش کردن وی دست به سرقت میلیونی طلاهایش زد.

■ **درخواست طلاق**

اوایل مهر امسال زن جوانی که با شوهرش دچار اختلاف شده بود، بعد از مدتی به این نتیجه رسید که برای جدایی از همسرش به دادگاه خانواده برود و در ابتدا درخواست مهریه و طلاق ارائه کند.

■ **یک وکیل**

مهناز وقتی جلوی در دادگاه خانواده رفت، در همان ابتدا با مرد جوانی که سربرگ قوه قضاییه در دست داشت روبه رو شد. مرد جوان خود را وکیل معرفی کرد و وقتی فهمید این زن تصمیم به جدایی دارد پیشنهاد داد کارهای او را انجام دهد و برای جلب اعتماد بیشتر از مهناز پرسید که در کدام شعبه پرونده تشکیل داده است.

مرد جوان پس از صحبت وارد دادگاه شد و هنگامی که بیرون آمد ادعا کرد به شعبه پرونده مهناز رفته و وکالت وی را قبول کرده است. برای شروع کار مبلغ ۳۰۰ هزار تومان از مهناز گرفت تا کارهای وکالت و درخواست مهریه و طلاق را انجام دهد. مهناز که به حرف های مرد جوان اعتماد کرده بود، از وی خواست نشانی دفتر وکالت اش را بدهد تا برای صحبت های بعدی به آن جا برود اما مرد جوان ادعا کرد که چون شریک کاری اش از ماجرای پذیرش وکالت وی خبر ندارد، این موضوع باعث ناراحتی و اختلاف بین آن ها می شود و خواست برای صحبت به محلی که خودش اعلام می کند بروند.

■ **قرار در اتاق مرموز**

مرد مرموز که آرش نام دارد، قرار ملاقاتی را در یک اتاق در نزدیکی امام زاده داوود طراحی کرد و مهناز که به رفتارهای مرد جوان اعتماد کرده بود به محل قرار رفت تا درباره پرونده اش صحبت کند.

مهناز وارد یک اتاق در نزدیکی امام زاده داوود در منطقه کن سولوقون شد و مرد جوان سربرگ هایی را که آرم قوه قضاییه روی آن چاپ شده بود، روی میز گذاشت و در ادامه یک آب میوه به زن جوان داد.

مهناز همزمان با خوردن آب میوه، درباره مشکلات خود با همسرش صحبت کرد و در حال حرف زدن بود که از هوش رفت و زمانی که به هوش آمد خود را در بیمارستان دید.

■ **سرقت طلایی**

زن جوان وقتی به هوش آمد متوجه به سرقت رفتن طلاهایش شد و باور نمی کرد در این مدت آرش برای سرقت طلاهایش در نقش یک وکیل او را فریب داده است.

بدین ترتیب، مهناز به دادسرای امور جنایی تهران رفت و از بازپرس پرونده خواست مرد فریبکار را دستگیر کنند.

در این مرحله تیمی از ماموران اداره ۵ پلیس آگاهی تهران برای دستگیری متهم وارد عمل شدند.

کارآگاهان در گام نخست تحقیقات پی بردند پس از این که مهناز بی هوش داخل اتاق می افتد، یکی از نظافتچی های ساختمان او را مشاهده و در تماس با اورژانس به بیمارستان منتقل می کند. آرش نیز در این ماجرا گوشواره، انگشتر و دست بند مهناز را که ۱۰۰ میلیون تومان ارزش داشته به سرقت برده است.

■ **سرنخ پلیسی**

کارآگاهان در این مرحله با توجه به این که مهناز چهره آرش را به یاد داشت، آلبوم مجرمان سابقه دار را پیش روی او قرار دادند که خیلی زود تصویر آرش در میان مجرمان سابقه دار شناسایی شد. همین سرنخ کافی بود تا تحقیقات برای دستگیری آرش که دو سال به جرم مالخری در زندان بوده، آغاز شود و پس از چهار ماه تلاش و اقدامات فنی مخفیگاه آرش شناسایی شد و ماموران در یک عملیات غافلگیرانه موفق به دستگیری این متهم شدند.

■ **اعترافات آرش**

آرش ابتدا خود را بی گناه می دانست اما وقتی پیش روی مهناز قرار گرفت به ناچار لب به سخن باز کرد و به ماموران گفت: همسرم از من جدا شده و دخترم در کنار مادرش زندگی می کند و پسرم پیش من است، من نیاز به پول داشتم تا این که به فکر این شیوه فریبکاری افتادم.

وی افزود: با جعل برگه هایی با سربرگ قوه قضاییه خودم را وکیل معرفی می کردم.

بعد از این که مهناز به من اعتماد کرد نقشه ام را برای بی هوش کردنش عملی کردم، ابتدا او را به یک اتاق که اجاره کرده بودم کشاندم و با دادن آب میوه او را مسموم و بیهوش کردم و سپس طلاهایش را برداشتم.

بنا به این گزارش، آرش برای تحقیقات بیشتر در اختیار ماموران اداره ۵ پلیس آگاهی تهران قرار گرفته است تا دیگر جرایم یا طعمه های احتمالی او شناسایی شوند.

■ **تحلیل کارشناس**

شیادان شیک پوش

محمد ساسانی، جرم شناس

متاسفانه هر سال شاهد افزایش پرونده های مشابه از فریبکاری کسانی هستیم که ظاهری فریبنده با عناوین خاص اجتماعی دارند و با چرب زبانی های خود زنان و مردان را در دام های مختلف می کشانند. شاید باور این که در راهروهای دادسراها و دادگاه ها هم گروهی شیاد و مجرم به دنبال طعمه هستند، برای خیلی ها دور از ذهن باشد اما تعداد این گونه کلاهبرداری ها رو به افزایش است و عده ای با سوءاستفاده از مشکلات قضایی و خانوادگی چه در دادگاه های خانواده و چه در دادگاه های حقوقی و کیفری به بهانه های مختلف در نقش وکیل یا با ادعای نفوذ در نزد قضات خود را به طعمه هایشان نزدیک می کنند و با مانورهای فیزیکی خاص که وانمود می شود ادعایشان واقعیت دارد و آن ها با قضات یا کارمندان دادسرا و دادگاه ها روابط صمیمانه ای دارند، به راحتی توطئه هایشان را اجرا می کنند. ابتدا انتظار می رود در اماکن قضایی مراقبت های ویژه حراستی و بازرسی صورت گیرد تا کارچاق کن ها و شیادان اجازه نیابند چنین مانورهایی بدهند و باعث بدنام شدن قضات و کارمندان قضایی شوند. همچنین بهتر است مشاورانی برای اطلاع رسانی به مراجعان حضور داشته باشند یا تابلوهایی نصب شوند و هشدارهایی روی آن ها برای مردم نوشته شود. از سوی دیگر مردم، چه زن و چه مرد باید بدانند شیادان از مشکلات آنان و سادگی یا نداشتن اطلاعات قضایی شان سوءاستفاده می کنند پس بهتر است به دستگاه قضایی اعتماد و برای گرفتن وکیل از مجراهای قانونی اقدام کنند و هر گونه اتفاق متفاوت با روند عادی را ایراد بدانند مانند این پرونده که مرد شیاد به بهانه اختلاف با همکارش از زن ساده لوح خواسته بود به جای دفتر وکالت به اتاقی اجاره ای برود.

اولیای دم مهلت دادند

توقف حکم قصاص قاتل عاشق پیشه یک مادر و پسر

مرد جوان که در دو سناریوی جداگانه دست به قتل مادر و پسر جوانی زده بود، در یک قدمی چوبه دار روزنه ای برای زندگی پیدا کرد.

ظهر ۲۷ اسفند ۹۴ دختر جوانی با حضور در کلانتری ۱۴۸ انقلاب از ناپدید شدن مادر ۴۹ ساله اش به نام سمیرا خبر داد و ادعا کرد که پدر و مادرم از هم جدا شده اند و برادرم یک شرکت خدماتی در خیابان کارگر شمالی دارد و به خاطر سفری که به عراق داشته مادرم کارهای شرکت را برعهده گرفته است. وی افزود: مادرم در خانه من مهمان بود اما پس از این که از خانه خارج شد دیگر اطلاعی از او ندارم و نگران حالش هستم.

بدین ترتیب تیمی از ماموران پلیس آگاهی تهران برای تحقیقات ویژه وارد عمل شدند. آن ها در گام نخست به دفتر شرکت خدماتی پسر سمیرا رفتند و در آن جا با جسد غرق در خون زن جوان روبه رو شدند.

کارشناسان پزشکی در صحنه جرم اعلام کردند که ۳۶ ساعت از مرگ سمیرا می گذرد و مشخص شد سمیرا خفه شده و سپس قاتل دو ضربه چاقو به وی زده است.

تجسس های پلیسی ادامه داشت تا این که روز ۲۸ اردیبهشت سال ۹۶ متهم اصلی پرونده دستگیر شد و در اعترافاتش گفت: ساکن یکی از شهرهای غربی کشور هستم و یک دختر ۱۵ ساله و پسر ۷ ساله دارم. از هفت سال قبل برای انجام کارهای خدماتی به تهران آمدم و در شرکت پسر سمیرا مشغول به کار شدم.

وی افزود: چندی قبل پسر سمیرا معتاد شد و تقریبا همه کارهای شرکت را سمیرا انجام می داد. من هم در این سال ها مورد اعتماد سمیرا و خانواده اش بودم. چند روز قبل از قتل به شهرمان رفته بودم که پسر سمیرا به آن جا آمد و ادعا کرد قصد خروج از کشور را دارد، او کلیدهای گاوصندوق شرکت را به من داد و خواست به تهران بروم و در کارهای شرکت به مادرش کمک کنم.

این مرد ادامه داد: وقتی به تهران آمدم به سمیرا پیشنهاد ازدواج دادم که مخالفت کرد و خواست درباره پیشنهادم با دخترش مشورت کند تا این که شب قتل سمیرا به من زنگ زد و خواست برای شام به شرکت بروم، من شب ها در خوابگاه می خوابیدم ولی آن شب با پیشنهاد سمیرا به شرکت رفتم.

قاتل سمیرا گفت: با سمیرا مشغول خوردن شام بودیم که از او خواستم صیغه ام شود اما او باز هم مخالفت کرد، سپس وقتی برای بردن ظرف غذا بلند شدم ناگهان دستم به دست او خورد و فکر کرد قصد آزار و اذیتش را دارم که شروع به داد و فریاد کرد. من برای آرام کردنش دستم را جلوی دهانش گذاشتم اما او همچنان داد می زد که با چاقو دو ضربه به سمیرا زدم و سپس با روسری خفه اش کردم و فرار کردم.

■ **اعتراف به قتل پسر سمیرا**

چند روز از اعترافات مرد جوان گذشت تا این که بهروز سکوت را شکست و به قتل میلاد نیز اعتراف کرد و گفت: میلاد به خاطر این که با چند تن از کارگرهای شرکت درگیر شده بود و از او شکایت کرده بودند فراری شده و به خانه من در شهرستان بوکان رفته بود. وی افزود: شامگاه ۱۶ بهمن ۹۴، میلاد در حیاط خانه ام در حال سیگار کشیدن بود و من نیز در راه پله داخل ساختمان طوری که به حیاط دید داشتم در حال صحبت با تلفن بودم که دیدم دختر ۱۵ ساله ام برای گذاشتن زباله از خانه خارج شد و در حال بازگشت ناگهان میلاد رفتار غیراخلاقی را در قبال دخترم انجام داد، عصبانی بودم اما چون او از لحاظ بدنی بسیار قوی تر از من بود نمی توانستم کاری بکنم و شب را به سختی صبح کردم تا این که از او خواستم برای شکار همراه من بیاید.

این مرد ادامه داد: به سمت دشت های اطراف شهرستان سقز رفتیم و پس از پیاده شدن از خودرو با پای پیاده به سمت یک دشت رفتیم تا این که در محلی خلوت از میلاد پرسیدم اگر کسی به اعضای خانواده ات نظر داشته باشد چه کار می کنی که گفت او را خواهم کشت، پس از شنیدن این جواب اسلحه را به سمتش گرفتم و قصد داشتم دستش را هدف گلوله قرار بدهم اما چون اسلحه ساچمه ای بود و از فاصله کم شلیک کرده بودم از ناحیه صورت به شدت خون ریزی کرد و روی زمین افتاد، ترسیدم و فرار کردم و وقتی به تهران آمدم ادعا کردم که میلاد به صورت غیرقانونی از ایران خارج شده است.

با اعترافات بهروز تیمی از ماموران با پیگیری از پلیس منطقه سقز اطلاع یافتند جسد یک مرد را روز هفتم اسفند ماه در دشت های اطراف شهرستان سقز پیدا کرده اند.

پس از اعترافات بهروز و صدور کیفرخواست، پرونده برای صدور حکم نهایی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد و اولیای دم از دادگاه خواستار قصاص بهروز در قتل سمیرا و میلاد شدند.

بنا به این گزارش، حکم نهایی اعدام بهروز صادر شد و این مرد در صف انتظار چوبه دار بود تا این که در یک قدمی چوبه دار قرار گرفت اما زمانی که شرایط برای اجرای حکم آماده شده بود، اولیای دم یک ماه مهلت دادند تا برای اجرا یا بخشیده شدن قاتل تصمیم نهایی را بگیرند.

آگهی تغییرات شرکت توس فور جینگ
شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۹۲۵
و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۲۹۵۶۹۹
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۴
تصمیمات ذیل اتخاذ شد :
۱ - موسسه حسابرسی
پارسیان حسابرس افق به عنوان بازرس اصلی و آقای سیدمحمدجواد مدنیان به شماره ملی ۰۹۳۴۵۱۱۹۲۶ به عنوان بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۷۴۹۵۶۰)
م/۹۸۱۴۴۲۸۷

آگهی تغییرات شرکت پرریز طیور مشهد
شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۸۸۲۱
و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۲۴۵۸۰۰
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : نشانی مرکز اصلی شرکت از محل قبلی به آدرس استان خراسان رضوی شهرستان مشهد محله سجاد شهر خیابان شقایق شمالی (سجاد ۱۳ ابن سینا ۱۶) کوچه بزرگمهر شمالی۲ پلاک ۴۱طبقه اول کدپستی۹۱۸۷۸۳۴۸۳۷ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح مزبور اصلاح گردید.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۷۵۲۷۱۶)
م/۹۸۱۴۴۴۹۳

آگهی تغییرات شرکت خدمات درمانی بهداشتی رضوی مشهد
شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۸۵۰۳ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۳۴۰۵۵۲
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل انتخاب گردیدند: آقای ایرج افتخار شاهرودی کد ملی ۰۹۳۰۴۹۶۷۷۹ آقای علی غیور دوزنده کد ملی : ۰۹۳۲۹۱۵۰۶۱ آقای محمد علی محمدزاده رضایی کد ملی۰۸۵۹۲۱۹۶۱۵ آقای رضا مهدوی زفرقندی کد ملی : ۱۱۸۹۷۴۱۴۳۱ آقای حسن خالقی ارچنگان کد ملی : ۵۵۳۹۳۶۹۱۲۲ برای مدت دوسال انتخاب گردیدند. - روزنامه کثیرالانتشار خراسان جهت درج آگهی های شرکت تعیین شد. -آقای علیرضا حاکمی برآبادی به شماره ملی ۰۷۶۹۱۴۲۳۰۳ به عنوان بازرس اصلی ، آقای محسن جلالی به شماره ملی ۰۸۷۰۲۶۸۵۰۳ به عنوان بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند. -ترازنامه و صورتهای مالی ۱۳۹۷ مورد تصویب قرار گرفت .
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۷۴۹۵۴۷)
م/۹۸۱۴۴۴۹۰

تاسیس موسسه غیر تجاری خیریه آبشار رضوان ایرانیان
درتاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۰۱ به شماره ثبت ۶۷۴۹به شناسه ملی ۱۴۰۰۸۹۳۵۲۶۴
ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد. موضوع : باستناد نامه شماره ۳۸۵۳/۲/۷۵۶۲ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۵ فرمانداری شهرستان مشهد کلیه فعالیتهای موسسه غیر سیاسی و غیر انتفاعی و غیر دولتی بوده و در موضوع امور خیریه و نیکوکاری عمومی با رعایت کامل قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران و این اساسنامه فعالیت خواهد نمود. در صورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد. مدت : از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی : استان خراسان رضوی ، شهرستان مشهد ، بخش مرکزی ، شهر مشهد، محله عبادی ، کوچه آیت اله عبادی ۲۰[حسین باشی ۱] ، خیابان آیت اله عبادی ، پلاک ۳۹۰/۰۰۴ ، طبقه اول کدپستی ۹۱۹۳۷۹۹۴۴۴ اسامی و میزان سهم الشرکه شرکا : سرمایه موسسه دارای ۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال میباشد ازسوی مدیر عامل تماما پرداخت شده و در اختیار موسسه قرار گرفته است. اولین مدیران : آقای علیرضا ایران منش به شماره ملی ۰۹۲۴۶۱۹۸۶۴ به سمت عضو هیئت مدیره به مدت ۲ سال آقای سیدمحمد داماد غرویان به شماره ملی ۰۹۳۲۲۸۶۴۷۱ به سمت عضو هیئت مدیره ونایب رئیس هیئت مدیره و به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال آقای مصطفی ایران منش به شماره ملی ۰۹۳۸۷۳۰۸۴۳ به سمت عضو هیئت مدیره - عضو علی البدل اول به مدت ۲ سال خانم فرزانه شبانی شاندیز به شماره ملی ۰۹۳۹۷۲۹۳۰۱ به سمت عضو هیئت مدیره - منشی هیئت مدیره به مدت ۲ سال خانم بی بی زهرا داماد غرویان به شماره ملی ۰۹۴۰۷۸۳۸۴۳ به سمت عضو هیئت مدیره - عضو علی البدل دوم به مدت ۲ سال خانم الهه شبانی شاندیز به شماره ملی ۰۹۴۱۵۶۰۵۴۶ به سمت عضو هیئت مدیره- خزانه دار به مدت ۲ سال آقای سیدمرتضی داماد غرویان به شماره ملی ۰۹۴۶۷۷۴۴۰۴ به سمت عضو هیئت مدیره و رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال آقای سید جلال کاشانی به شماره ملی ۰۹۳۴۳۳۷۲۲۵ به سمت بازرس اصلی به مدت ۱ سال آقای سید مصطفی اسماعیلی به شماره ملی ۰۹۴۴۹۷۹۴۶۸ به سمت بازرس علی البدل به مدت ۱ سال دارندگان حق امضا : کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهد آور با امضای ثابت مدیر عامل آقای سیدمحمد داماد غرویان و خزانه دار خانم الهه شبانی شاندیز و درغیاب خزانه دار رئیس هیئت مدیره آقای سیدمرتضی داماد غرویان و مهر موسسه معتبر خواهد بود اختیارات مدیر عامل : طبق اساسنامه روزنامه خراسان به عنوان روزنامه اصلی برای درج تصمیمات و آگهی های موسسه تعیین گردید.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۷۴۹۵۶۱)
م/۹۸۱۴۴۴۸۴

آگهی تغییرات شرکت حمل ونقل بین المللی سیحون نگین ترکمن
شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۵۷۴۴۶ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۶۵۲۱۱۵
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۱۰ و نامه شماره ۴۷۲۸ مورخ ۹۸/۷/۱۱ انجمن صنفی شرکتهای حمل و نقل بین المللی خراسان تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ۱- سمت اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند: عطامراد سالاری نیا ۰۷۳۰۰۷۰۵۲۲ رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل و نیما سالاری نیا ۰۷۲۰۱۲۲۲۴۴ نائب رئیس هیئت مدیره - طاهره صاحبی ۰۹۳۲۱۸۲۸۷۹ عضو هیئت مدیره ۲ - کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت با امضای مدیر عامل و نائب رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود .
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۷۴۹۴۷۸)
م/۹۸۱۴۴۴۹۱

آگهی تغییرات شرکت بنیان بتن سبزوار شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت۳۳۴۷ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۶۵۰۵۴۱
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : شرکت سیمان لارسبزوار به شماره ثبت۱۳۵۳ شناسه ملی ۱۰۳۸۰۱۳۱۸۹۶ شرکت سنجش سهام سیمان سبزوار به شماره ثبت۱۶۶۸ شناسه ملی۱۰۳۸۰۱۴۸۹۸۰ شرکت تولید آهک هیدراته بیهق به شماره ثبت ۳۰۸۸ شناسه ملی۱۴۰۰۰۲۵۴۲۶۴ به سمت اعضای هیات مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند موسسه حسابرسی وخدمات مدیریت دایا رهیافت به شماره ثبت ۳۶۵۳۰ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۰۷۶۴۶۰ به عنوان بازرس اصلی وآقای علیرضا امیرفراهانی به شماره ملی ۰۰۶۹۰۶۲۶۷۶ به عنوان بازرس علی البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه خراسان به عنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های شرکت تصویب شد.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری سبزوار (۷۴۴۴۴۶)
م/۹۸۱۴۴۴۸۰